



یادداشت

نامزدهای انتخابات فرمایشی و جنگ لفظی بر سر برنامه نداشته!

صادق کار



خبرگزاری فارس اخیراً یک سخنرانی ویدئویی از ابراهیم رئیسی نامزد اصلی بیت رهبری و سرداران سپاه و طیفهای محافظه کار همسو با آنان را در سایت این خبرگزاری قرار داده است. ابراهیم رئیسی در این گفتگوی ویدئویی نامزدهای دیگر انتخابات فرمایشی پیش رو را متلک گوهایی نام نهاده که فاقد برنامه برای مسائل مردم هستند.

رئیسی با طعنه و اشاره به یکی از مشاجرات لفظی ردو بدل شده میان قالیباف و روحانی در مناظره انتخاباتی ۴ سال پیش گفت: "اگر با متلک پرانی مشکلات مردم درست میشد با همان سرهنگ و حقوقدان درست شده بود". رئیسی در ادامه با ذکر مسائلی همچون، اشتغال، معیشت سفره‌های مردم، پول ملی... گفته است اینها مسائل اصلی مردم هستند که باید برایشان برنامه داشت. او در سخنرانی خود که ظاهراً مخاطبان آن همه نامزدهای دیگر ریاست جمهوری هستند، بگونه‌ای برخورد نموده که گویا خود او برای مسائل مهمی که نام برده است، برنامه دارد. اما واقعیت این است که نه هیچ یک از نامزدها و نه خود رئیسی برنامه مدونی برای هیچیک از معضلات و بحرانهای در هم تنیده شده کشور ندارند. آنچه آنها بعنوان برنامه از آن یاد می‌کنند در واقع مشتی شعار فاقد پشتوانه هستند که هیچ کدام از نامزدها اختیار، استعداد و ظرفیت عملی کردن شان را ندارند.

از قدیم گفته‌اند، سنگ بزرگ برداشتن علامت نزدن است. این ضرب المثل حکایت شعاری است که از جانب نامزدهای هفت گانه در این روزها پراکنده می‌شوند. شعاریهایی همچون، ساختن ۴ میلیون خانه، از بین بردن فساد تبدیل ریال به سومین پول با ارزش منطقه پس از دلار و یورو، پنج برابر کردن یارانه‌ها، تک رقمی کردن نرخ تورم... وعده‌هایی هستند که بیشتر به وعده‌های امام زمانی می‌مانند. برنامه خود رئیسی همانطور که او در نخستین روز شروع ملاقاتهای انتخاباتی اش با روسای اتاق بازرگانی و دو اتحادیه کارفرمایی دیگر گفت، سپردن اختیارات اقتصاد به سازمانهای کارفرمایی است. این همان کاری است که دولت روحانی هم انجام داد و همین سازمانهای کارفرمایی که در هفته گذشته با رئیسی بیت و از دولت روحانی تنبری جستند، تا چند ماه پیش روابط بسیار حسنه‌ای با دولت داشتند. میانه آنها پس از آن شکر آب شد که دولت در اثر بی پولی از صادر کنندگان و وارد کنندگان کالا خواست ارزهای ۴۲۰۰ تومانی را که گرفته‌اند پس از انجام کسب و کارشان به دولت برگردانند.



بازگرداندن ده‌ها میلیارد دلار ارز دولتی که ارزش آن در بازار آزاد ۷ برابر شده بود، البته برای روسای اتاق بازرگانی موضوعی نبود که بتوانند آن را هضم کنند. افشای فرار ۳۰ میلیارد دلار ارز بدون ذکر نام خارج کنندگان آنها، و افشاگریهای بعدی رئیس اتاق بازرگانی تهران، که واکنشهای تلافیجویانه ای بود نسبت به درخواست دولت، تا حدود زیادی هم موثر افتاد و دیگر خبری از سرنوشت ارزهای دولتی نشد.

اختلافات دیگری از آن جمله اختلاف بر سر افزایش دستمزدها و کم و کیف تغییرات قانون کار و تامین اجتماعی بین آنها و دولت بوجود آمد که البته علت احتیاط دولت در پذیرش تقاضاهای افرای سازمانهای کارفرمایی، نگرانی از سریز شدن تحمل کارگران و به خطر افتادن کل سیستم حاکم بود. با این اوصاف سپردن کنترل اقتصاد به سازمانهای کارفرمایان بزرگ که رئیسی علنا وعده آن را به روسای اتاق بازرگانی داد، نظر به زیاده خواهی های آنها، نه تنها مسائل، نان و معیشت و مسکن و بیکاری را حل نخواهد کرد بلکه به وخیمتر شدن همه آنها دامن خواهد زد.

تشدید اعتراضات اجتماعی و سیاسی لاجرم از پیامدهای سپردن اختیارات سیاستهای اقتصادی به سرمایه داران رانتخوار مسلط بر سازمانهای کارفرمایی خواهد بود. البته رئیسی برای آنکه افکار عمومی را بفریب صحبت از مخالفت با خصولتی ها و حمایت از خصوصی سازیها کرد. ادعایی که ظاهرا در تضاد با منافع سرکردگان خصولتی ها، یعنی همان گرانندگان خبرگزاری فارس که به یکی از بلنگوهای تبلیغاتی رئیسی تبدیل شده اند قرار دارد!

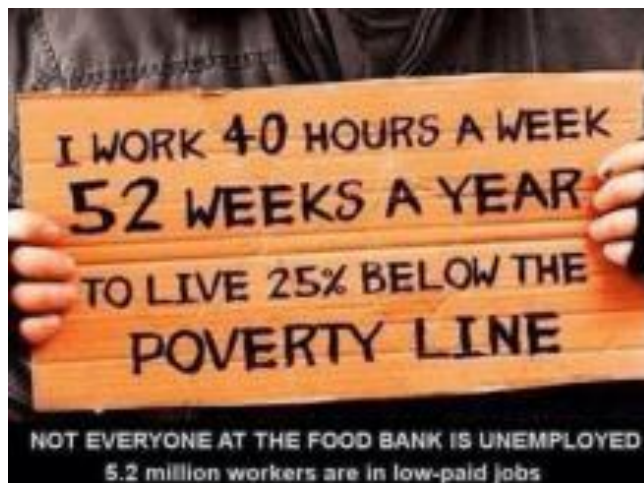
ضرب المثلی هست که می گوید: "هیچ گربه ای محض رضای خدا موش نمی گیرد" حالا حکایت حمایت خصوصی ها و خصولتی چی ها از رئیسی است! این گونه بده بستانها به رغم پیچیدگی شان، که بخاطر استثار نیات پلید بانیان آنهاست، البته جدی است. آنچه در این میان غیر جدی و فریبکارانه است، همانا آن وعده های کاذب عدالتخواهانه و فساد ستیزانه رئیسی و مابقی نامزدهای دستچین شده شورای نگهبان است. می گویند مومن دوبار از یک سوراخ گزیده نمی شود. البته این ضرب المثل حداقل در مورد ما ایرانیها مصداق ندارد. ما از یک سوراخ چند بار باید گزیده شویم تا بفهمیم انگشت مان را نباید در یک سوراخ که از آن گزیده شده ایم فرو کنیم. اکثر مردم از بس از این سوراخ انتخابات های فرمایشی و ضد دموکراتیک گزیده شده اند، که فهمیده اند که نباید یکبار دیگر انگشت شان را در لانه زنبور که چه عرض شود در لانه مار و افعی انتخابات فرمایشی رژیم تبهکار فرو کنند. آنهایی که در این انتصابات خفتبار شرکت می کنند و بخاطر منافع اقتصادی و هر چیز دیگر به قاتلانی چون رئیسی رای می دهند و در مشروعیت دادن به رژیم فقاhtی سهم و نقشی به عهده می گیرند، در هر حال روزی باید به مردم جواب پس بدهند!

به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



ویروس نابرابری

گزارش ژانویه ۲۰۲۱ سازمان آکسفام بخش ششم



مردم خواهان دنیای بسیار متفاوتی اند

پیش از بحران پاندمی هم کاملاً آشکار بود، الان هم آشکارتر شده است، که مردم خواهان جهان دیگری اند. در سال ۲۰۱۹، پیش از هجوم پاندمی، اعتراضات علیه نابرابری در سراسر جهان گسترده شده بودند. در سال ۲۰۲۰، جنبش "جان سیاهان اهمیت دارد" رد قاطع نابرابری نژادی را به نمایش گذاشت. نظرخواهی ها در سراسر دنیا مبین حمایت وسیع مردم برای ساختن جهانی عادلانه تر و پایدارتر در فردای پاندمی بودند.

پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، حکومتها دست به انتخابهای روشنی زدند: قطع مالیاتها برای ثروتمندترین اشخاص و شرکتهای؛ اجازه دادن به شرکتهای برای آن که پرداخت سودهای هنگفت را به صاحبان سهام در اولویت قرار دهند و از کارگران دریغ کنند؛ اعمال سیاستهای ریاضتی خشن بر مردم با قطع خدمات عمومی از جمله در بخش سلامت و بهداشت؛ ادامه پرداخت سوبسید به سوختههای فسیلی و تخریب محیط زیست.

این انتخابها به نابرابری دامن زد و به درد و رنج بسیاری انجامید. این بار باید متفاوت عمل شود.

این ندا به نحوی فزاینده توسط شخصیتها و سازمانهای پرنفوذ بسیاری در سراسر جهان پذیرفته می شود؛ حتی کسان و سازمانهایی که طرفدار وضع موجود اند. کلاوس شواب، رئیس فوروم جهانی اقتصاد، که هرساله در داووس برگزار می شود، اخیراً از "ایدئولوژی نئولیبرالی" سخن به میان آورده نوشته است که "ما باید از نئولیبرالیسم به پساکرونا گذر کنیم." صندوق بین المللی پول اعلام کرده است که دیگر نباید به دوره ریاضت بازگشت، و به گرفتن مالیاتهای تصاعدی دعوت کرده است. فاینانشل تایمز به "اصلاحات رادیکال" برای معکوس کردن "جهتگیری سیاستهای حاکم در ۴ دهه گذشته" فراخوانده است و به دفاع از بازتوزیع ثروت، درآمد همگانی پایه و مالیات بر ثروت برخاسته است. بدون پاندمی این قبیل اظهارات و مواضع غیرقابل تصور می بودند.

آکسفام ۵ اقدام را برای نیل به جهانی بهتر تشخیص داده است.



۱. جهانی عمیقاً برابرتر، با چشم باز برای دیدن آنچه اهمیت دارد

تقلیل رادیکال و پایدار نابرابری همانا پایه ضرور برای یک جهان نوین است. حکومتها باید اهداف مشخص و زمانمندی برای کاهش نابرابری پیش روی خود بگذارند، و نه آن که ساده به روال پیش از بحران پاندمی بازگردند. آنها باید بیشتر بروند و به جهانی عادلانه تر به عنوان امری عاجل بنگرند. آنها باید فراتر از "تولید ناخالص داخلی" را ببینند و به ارزشگذاری بر آنچه به واقع اهمیت دارد، دست بزنند. مبارزه با نابرابری باید در مرکز سیاستها و اقدامات برای نجات اقتصاد و احیا و ترمیم آن قرار گیرد. این رویه باید برابری جنسیتی و نژادی را [نیز] در برگیرد. کشورهایی مثل کره جنوبی، سیرالئون و زلاند نو به کاهش نابرابری به عنوان اولویت ملی متعهد شده اند. این کشورها نشان داده اند در این زمینه چه می توان کرد.

بنا به محاسبات بانک جهانی اگر کشورها هم اکنون دست به اقدام برای کاهش نابرابری بزنند، سطح فقر جهانی بعد از سه سال به سطح پیش از کرونا باز خواهد گشت. در غیر این صورت دست کم یک دهه وقت لازم خواهد شد.

۲. جهانی که در آن اقتصاد غمخوار انسان است

حکومتها باید نسخه قدیمی خشن و ناپایدار ریاضت کشی را رد کنند و باید مردم را مطمئن سازند که ثروت، جنسیت یا نژاد آنها، سطح آموزش و سلامت آنان را دیکته نخواهند کرد. به عوض، حکومتها باید در زمینه بهداشت، سلامت، آموزش، و دیگر خدمات عمومی سرمایه گذاری کنند. خدمات عمومی مبنای جوامع آزاد و عادلانه اند، و نقش بلامنازع در تقلیل نابرابری دارند. این خدمات شکاف بین دارا و ندار را کاهش می دهند، و همچنین به کاهش شکاف بین زن و مرد - خاصه در بازتوزیع مسئولیت برای مراقبت بدون پرداخت - کمک می رسانند. آنها به گسترش میدان بازی برای گروه هایی که تاریخاً و به سائقه نژادی سرکوب شده و به حاشیه رانده شده اند، کمک می کنند. کشورهایی چون کوستاریکا و تایلند در طول یک دهه موفق به پوشش عمومی سلامت شده اند. دیگر کشورها نیز می توانند چنین کنند.

حکومتها باید به فوریت واکسیناسیون عمومی را برای غلبه بر پاندمی عملی کنند. برای انجام این کار آنها باید با شرکت های دارویی برخورد کنند، خواهان دسترسی آزاد به تمام اختراعات و تکنیکهای ثبت شده ناظر بر مبارزه با پاندمی شوند، تا واکسن و رسیدگی مطمئن و مؤثر برای همگان فراهم شود.

بخشودگی قروض کشورهای فقیر می تواند ماهانه مبلغی برابر ۳ میلیارد دلار را برای سرمایه گذاری در تأمین بهداشت رایگان برای همه در اختیار آنها بگذارد.

بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



وقت انتخابات که می شود کارگران فریاد رس پیدا می کنند!

صادق



سید سلمان ذاکری یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس به خبرنگار خبرگزاری مجلس فرمایشی ضمن اذعان به وجود ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی فاقد بیمه و دفترچه درمانی گفته است برای این ۸۰۰ هزار کارگر فاقد بیمه که فریادرسی ندارند باید کاری کرد. او گفته است:

هم اکنون برخی با هزینه میلیاردی تومان یک ساختمان چندین طبقه می سازند اما زمانی که یک کارگر ساختمانی مصدوم شود باید ماه ها به دادگاه رفت و آمد کند، چرا که تحت پوشش بیمه قرار نداشته و کارفرما حاضر به پرداخت حق درمان وی نیست و چون نمی تواند وکیل بگیرد، حق و حقوقش از بین می رود

ما در طرح بیمه کارگران ساختمانی به این نکته پرداختیم که باید منابعی به اجرای این طرح اختصاص داده شود که کارگران خود بتوانند خانواده خود را تحت پوشش بیمه قرار دهند، کما اینکه برابر با قانون اساسی تمام افراد باید از خدمات بیمه بهره مند شوند.

این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، اما تنها از وجود یک طرح خبر داده که در آن به مسائل بیمه کارگران ساختمانی پرداخته شده و آنطور که از فحوای گزارش بر می آید، طرحی برای بیمه کردن همه کارگران ساختمانی و منبع مالی آن در کمیسیون به تصویب نرسیده است. اینکه از صدها نماینده مجلس هر از چند گاهی ینمایندگی بخواهد برخی معضلات کارگری را به جهاتی در دستور بررسی یکی از کمیسیونهای مجلس قرار دهد مسبوق به سابقه است. اما خیلی بندرت اتفاق می افتد که چنین اقداماتی منجر به تصویب قانونی برای رفع معضل مورد نظر بشود. این گونه قوانین وقتی هم به تصویب می رسند، غالب اوقات به بایگانی سپرده می شوند و تا وقتی که معضلی حاد نشده باشد و تقاضا و اعتراض برای اجرای قانون به عمل نیامده باشد، در بایگانی خاک می خورند. قانون همسان سازی حقوق ها نزدیک به ۱۰ سال بعد از تصویب طول کشید که پس از صدها اعتراض بصورت نصفه نیمه به شکلی تبعیض آمیز به اجرا گذاشته شود. بسیاری از قوانین کار که سالها اجرا می شدند، نیز اجرای شان متوقف گردیده و طوری با آنها در ادارات دولتی برخورد می کنند که انگار هیچوقت وجود نداشته اند. طرح هایی که در ارتباط با بیمه کارگران ساختمانی در مجلس به تصویب شده اند دچار همین سرنوشت شده اند. این قوانین



اغلب اوقات در مورد عده معینی و برای مدت معینی به اجرا درآمده‌اند ولی کمتر موردی بوده که برای همه بطور یکسان اجرا شده باشند. برخی از قوانین نیز در اثر فشار کارگران به تصویب رسیده‌اند. در اینگونه موارد قانون گزار سعی کرده با گذاشتن شرط و شروط دایره شمولیت قانون را محدود کند. بطور مشخص در مورد طرح بیمه کردن کارگران ساختمانی که چند سال پیش به تصویب رسید، قانون گذاران شرط و شروط عجیب و غریبی گذاشتند. بعنوان مثال بیمه را سهمیه بندی کردند و در هر سال عده معدودی را بیمه می کنند و استفاده از سهمیه را نیز منوط به گذراندن دوره تخصصی در کارهای ساختمانی نموده‌اند. به عبارتی کارگری اگر فاقد تخصص باشد از حق بیمه توسط قانونگذار محروم شده است. این در حالی است که قانون بیمه های اجتماعی را حقی همگانی دانسته و بر آن تاکید نموده است.

گاهها نیز نمایندگان مجلس در ازای گرفتن رای دفترچه های سهمیه کارگران ساختمانی را به عدهای از بستگان و هواداران خود که کارگر هم نیستند اهدا کرده‌اند. افزون بر این موارد اکثر انبوه سازان و شرکتهای ساختمانی نیز از بیمه کردن کارگران خود طفره می روند و هر وقت هم حادثه‌ای برای کارگری پیش می آید که باعث مصدوم شدن او می شود، همانطور که در گزارش نماینده مجلس هم آمده، صاحب کار از دادن هزینه درمان کارگر مصدوم طفره می رود و هیچ مرجعی نیز نیست که در چنین مواردی از کارگر حمایت کند. قضیه این طرح کمیسیون مجلس نیز در همین چهار چوب قرار دارد.

در شرایط فعلی حتی با وجود وضعیت بسیار دشوار کارگران ساختمانی بعد از کرونا و نیاز عاجلی که این انبوه کارگران بیکار و محروم به پوشش بیمه‌ای دارند، تصویب قانونی برای بیمه کردن کارگران ساختمانی و اظهارات این نماینده مجلس پیرامون آن را نمی شود جدی فرض کرد. متأسفانه به نظر می رسد این هم وعده‌ای است از قماش وعده‌هایی که بارها داده شده ولی هرگز به عمل در نیامده‌اند. آری موافقت این مجلس و دولت با بیمه کردن این ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی فاقد بیمه با وجود غیر قانونی بودن سهمیه بندی بیمه‌ای برای گروهی از کارگران و تاکید قانون اساسی موجود بر حق بیمه رایگان انتظاری بیهود می نماید.



خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتراضات کارگری در این هفته نیز به رغم فضای مملو از تبلیغات انتصابات حکومتی و وعده‌های کاذب یکطرفه کادی‌های مورد وثوق بیت خامنه‌ای و موتلفه چی‌ها به کارگران و مردم ادامه یافت. زحمتکشان که بارها طعم تلخ اعتماد به وعده‌های کاندیدادهای وابسته به باند‌های حکومتی را در انتخابات پیشین چشیده‌اند، فارغ از این هیاهوها و جنگ قدرت میان باند‌های مافیایی به پیکار عدالتخواهانه‌شان علیه این باندهای تبهکار و فریبکار ادامه دادند و می‌دهند. آنها بدرستی تشخیص داده‌اند که نتیجه این انتصابات هرچه باشد به ضرر حقوق و معیشت آنها تمام خواهد شد.

- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه برای بی‌اثر کردن تبلیغات ریاکارانه دارودسته رئیسی که می‌کوشند از نتیجه مبارزات کارگران هفت تپه علیه خصوصی‌سازی و مالک اختلاسگر این مجتمع صنعتی-کشاورزی به نفع ابراهیم رئیسی سوءاستفاده تبلیغاتی نمایند، در بحبوه این هیاهوها با انتشار اعلامیه‌ای، آثار احتمالی این شبهات را منتفی کرد. در مورد دروغ و فریبکارانه بودن تبلیغات همه کاندیدادهای ریاست جمهوری همین بس که هیچکدام از آنان حاضر به حمایت عملی از خواسته‌های عادلانه کارگران معترض نفت، پتروشیمی و اعتصاب کارگران بخش کشاورزی هفت تپه علیه قطع آب مزارع نیشکر و چغندر نشدند و حتی اشاره‌ای هم به‌ی این رویدادها نکردند.

ادامه اعتراضات کارگران نفت

اعتراضات حق طلبانه و عادلانه کارگران زحمتکش صنعت نفت در این هفته نیز بطور متشکل تکرار شد. کارگران قرارداد موقت نفت در منطقه ویژه پتروشیمی ماهشهر و بندر امام در ۱۰ خرداد به همراه خانواده‌های خود با برگزاری یک تجمع بزرگ، نسبت به وضعیت شغلی‌شان اعتراض نموده و خواهان: "اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای طرح اقلیمی و طرح پرداخت سنوات پایان سال بر اساس قانون کار" شدند.

تجمع ۵۲۰۰ کارگر هلدینگ خلیج فارس

۵۲۰۰ کارگر رسمی هلدینگ خلیج فارس نیز در ۱۰ خرداد در یک تجمع اعتراضی مشابه در سایت ۴ منطقه ویژه نسبت به پایبند نماندن هلدینگ خلیج فارس به قرارداد منعقد با شرکت صنایع پتروشیمی اعتراض و خواستار رعایت کردن قرارداد مذکور شدند. خبرگزاری ایلنا به نقل از کارگران معترض نوشت: "بن‌ها از مدتی پیش، خواستار اجرای ماده ۱۰ قانون نفت شده‌اند. مطابق ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب سال ۱۳۹۱ مقرر شده نظام‌های اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و مزایای آن دسته از کارکنان شرکتهای تابعه وزارت نفت که در واحدهای عملیات و تخصصی شاغل هستند. ..."



رفع تبعیض و محدودیت تعدیل مدارک تحصیلی، اعمال آئیم ۱۴۵۰ حق مأموریت کارکنان رسمی نفت در شرکت هلدینگ خلیج فارس از دیگر مطالباتی است که در تجمع مطرح شد.

اعتصاب کارگران بخش کشاورزی در هفت تپه

کارگران بخش کشاورزی نیشکر هفت تپه در ۱۱ خرداد در اعتراض به نصف شدن ناگهانی حق آبه شرکت و بی توجهی مسئولین ذیربط به هشدارهای پیایی آنها در مورد خشک شدن مزارع نیشکر و پیامدهای آن اعتصاب کردند. کارگران معترض امید اسدیگی مالک خلع ید شده کارخانه را در این قضیه دخیل می دانند و این واقع را جزئی از تلاشهای انتقامجویانه اسد بیگی و مسئولین دولتی حامی وی بخاطر خلع ید تعبیر می کنند.

گروگان گرفته شدن دستمزدهای کارگران هفت تپه

کارگران می گویند با وجود گذشت بیش از دوماه از سال جدید، هنوز دستمزدی به آنها بابت این مدت پرداخت نشده است. آنها معتقدند اسد بیگی که هنوز کارخانه را رسماً به دولت پس نداده است و مدیریت کارخانه را همچنان در اختیار دارد، دستمزد کارگران را به گروگان گرفته است تا به کارگران و خانواده هایشان فشار وارد کند.

- است با وجود صدور حکم خلع ید از مالک اختلاسگر و متخلف هفت تپه اما مسئولین دولتی و قضایی از تحویل گرفتن کارخانه از اسدیگی تعلل می ورزند و در عوض وکیل مدافع کارگران در پرونده را تحت پیگرد قرار داده اند. پیگرد خانم زیلابی وکیل مدافع کارگران هفت تپه توسط دستگاه قضایی نشان می دهد که ادعای فساد ستیزی رئیس قوه قضایی رژیم جدی نیست و بیشتر جنبه نمایشی داشته و هدف معینی را تعقیب می کند. از سوی دیگر مسئولین قضایی با در زندان نگاه داشتن سپیده قلیان و بلاتکلیف گذاشتن پرونده اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، علی نجاتی و دیگر کارگران حق طلب که پیشگامان مبارزه با فساد مالک هفته تپه بوده و نمایندگی حق طلبی کارگران را به عهده داشته اند، نشان داده اند که در مبارزه با فساد نه جدی و نه صادق هستند. چگونه ممکن است دستگاهی مدعی مبارزه با فساد باشد، ولی بجای مجازات مفسدین قربانیان اهل فساد را مجازات کند؟

اعتراض اتحادیه های کارگری بین المللی به بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری.

بازداشت و در زندان نگاه داشتن محمود صالحی و عثمان اسماعیلی به دلیل سازماندهی و شرکت در مراسم ویژه روز کارگر تا کنون با واکنشهای اعتراضی مختلفی در داخل و خارج روبرو شده است. در این هفته “فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و اتحادیه بین المللی مواد غذایی با انتشار فراخوانی خطاب به اتحادیه های کارگری عضو خود به این اعتراضات پیوستند. این دو اتحادیه بین المللی در این فراخوان از اعضای خود در کشورهای مختلف خواسته اند نسبت به بازداشت این دو فعال سندیکایی اعتراض و خواستار آزادی آنها شوند.

- است که ناقاضی یکی از بیدادگاه های حکومت فقهاتی این دو فعال سندیکایی را ابتدا به ۳ و ۶ ماه حبس محکوم و سپس احکام ظالمانه خود را به ۴ و ۲ میلیون تومان جریمه نقدی تغییر داد.

ادامه پیگرد فعالین سندیکایی

تنها چند هفته باقی مانده به انتخابات فرمایشی نیز موجب برای توقف پیگرد فعالین سندیکایی نشده است. در ۸ خرداد و در ادامه این بگیر و ببندها محبوبه فرحزادی یکی از فعالین سندیکایی معلمان و از اعضای هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به یکی از مراکز سرکوب منتقل گردید خانم فرحزادی پیش از این نیز به صرف شرکت داشتن در فعالیتهای سندیکایی احضار و بازجویی شده بود گفتنی است که اسماعیل گرامی یکی دیگر از فعالین سندیکایی که دو ماه پیش بازداشت شده بود نیز همچنان در زندان است.



همه این بازداشتها و بگیر و ببند ها توسط کسانی انجام گرفته و می گیرد که با پرچم عدالتخواهی دروغین در تلاشند مردم را بفریبند و آنها را پای صندوقهای رای گیری بکشانند. زهی از این همه خباثت و بیشرمی!

تشکیل کمپین معلمان برای رفع تبعیض مزدی و همسان سازی واقعی

به گزارش ایلنا معلمان و فرهنگیان برای رفع تبعیض مزدی کمپین مجازی تشکیل داده‌اند. تشکیل دهندگان این کمپین که از معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته هستند، خواستار هم سطح شدن حقوق معلمان با سایر کارمندان رسمی و اختصاص ۳۰ هزار میلیارد بودجه برای انجام این کار شده‌اند. به عقیده بانیان این کمپین همسان سازی واقعی تنها در صورت برابر شدن حقوق معلمان با کارمندان رسمی میسر است. گفتنی است که معلمان بویژه معلمان غیر رسمی که تعدادشان ده‌ها هزار نفر است، به شدت از سطح دستمزدها و حقوق خود ناراضی هستند و سالهاست تلاشها و مبارزات دامنه داری را برای افزایش حقوق شان انجام داده‌اند. این تلاشها همواره رو به افزایش داشته و همچنان با شیوه‌های متنوع و ابتکاری ادامه دارند.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را

تامین کند!